

پیام شرکت کنندگان در چهاردهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) به طبقه کارگر!

رفقای کارگر!

ما شرکت کنندگان در چهاردهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)، صمیمانه‌ترین دروهای کارگری-کمونیستی خود را به شما تقدیم می‌کنیم. سازمان فدائیان (اقلیت) یک سازمان کمونیست است که از منافع و آرمان‌های سوسیالیستی طبقه کارگر دفاع می‌کند و هدف آن براندازی نظام سرمایه‌داری و ایجاد جامعه‌ای آزاد و برابر و انسانی است. جامعه‌ای که در آن هرگونه ستم و استثمار برافزوده است و اثری از تبعیض و نابرابری در آن دیده نشود. رسالت این پیکار عظیم طبقاتی و دگرگونی بنیادی نظم موجود را، تاریخ بر دوش طبقه کارگر نهاده است. در این پیکار طبقاتی، سازمان فدائیان (اقلیت) هم‌دوش شماست و خود را جزئی از شما می‌داند.

رفقا، زنان و مردان کارگر!

کنفرانس چهاردهم سازمان در شرایطی برگزار شد که یورش‌های پی‌درپی طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه، علیه طبقه کارگر و سطح معیشت کارگری، بی‌وقفه ادامه یافته و بیش از پیش تشدید گشته‌اند. تنگناهای معیشتی و فشارهای اقتصادی تحمیلی بر دوش خانواده‌های کارگری فوق‌العاده افزایش یافته است. قیمت تمام خوراکی‌ها و انواع دیگر کالاها و خدمات مورد نیاز کارگران به طور تصاعدی افزایش یافته است. حداقل دستمزدهای کارگری در این دو سال از یک‌سوم خط فقر کم‌تر بوده و فاصله درآمدها و هزینه‌های کارگری روزبه‌روز زیاده‌تر شده است. طبقه سرمایه‌دار و دولت حامی آن حتی قراردادهای رسمی خود پیرامون تعیین حداقل دستمزد بر پایه نرخ تورم رسمی را هم زیر پا گذاشت. درحالی‌که نرخ تورم در آخر سال نودویک ۳۱ درصد اعلام شد اما میزان حداقل دستمزد سال ۹۲ رسماً فقط ۲۵ درصد افزایش یافت. این در حالی است که در بسیاری از کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و خدماتی، حتی همین مصوبه هم به اجرا در نیامده است و در عین حال نرخ تورم واقعی نیز از مرز ۶۰ درصد فراتر رفته است. به عبارت دیگر دستمزدهای واقعی و قدرت خرید کارگران پیوسته کاهش یافته، سفره خالی و بی‌زوقی آنها روزبه‌روز خالی‌تر و بی‌زوق‌تر شده و خانواده‌های کارگری مدام فقیر و فقیرتر شده‌اند.

البته طبقه کارگر ایران در این دو سال تنها از لحاظ شرایط معیشتی و کاهش فاحش قدرت خرید تحت فشار نبود. طبقه حاکم در ادامه سیاست‌های نئولیبرال اقتصادی، امواج سهمگین دیگری از اخراج و بیکارسازی را بر کارگران ایران تحمیل کرد. رکود اقتصادی و تعطیلی یا توقف پروژه‌های عمرانی بیش از یک میلیون نفر کار خود را از دست داده‌اند و صف ارتش ذخیره کار، مرز ۸ میلیون را نیز پشت‌سر گذاشت. دولت ارتجاعی و ضدکارگری حاکم در عین حال مذبوحانه تلاش نمود از طریق تغییر قوانین موجود یا تصویب قوانین جدید و اجرای آن، استثمار و بی‌حقوقی کارگران را بیش‌ازپیش تشدید کند. تهیه پیش‌نویس اصلاح قانون تأمین اجتماعی و لایحه اصلاح قانون کار که برای تصویب به مجلس ارتجاع فرستاده شده است و نیز تصویب و اجرای طرح فوق‌ارتجاعی "استادشاگردی" در همین راستاست. جوهر اصلی تمام این تلاش‌ها که در راستای تحقق کامل اهداف سرمایه‌بین‌المللی و سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است، مبتنی است بر کاهش مسئولیت‌های دولت، گسترش خصوصی‌سازی‌ها از جمله خصوصی‌سازی بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی، محروم‌سازی کامل کارگران از حداقل‌های تأمین اجتماعی و درمانی، افزایش بیش‌ازپیش اختیارات کارفرمایان در تعیین و تحمیل شرایط کار از جمله تحمیل قراردادهای موقت و سفیدامضا، ناروشنی در ادامه‌کاری کارگران، ناامنی شغلی و بی‌آیندگی، افزایش اختیارات کارفرمایان در اخراج کارگران، تأمین کارمجانگی برای سرمایه‌داران و تحمیل بیگاری بر کارگران و در یک کلام تشدید بیش‌ازپیش استثمار و تحمیل بی‌حقوقی بیشتر بر کارگران است.

رفقای کارگر!

شما می‌دانید که تعرضات سرمایه علیه طبقه کارگر و جنبش کارگری ایران، تنها به اینها محدود نشده است. رژیم ارتجاعی و ضدکارگری جمهوری اسلامی در طی این دو سال فشارهای سیاسی-امنیتی و

اقدامات سرکوبگرانه خود را علیه کارگران پیشرو، علیه جمع‌ها و تشکل‌های مستقل کارگری و علیه تشکل‌های فعالان کارگری نیز تشدید نموده است. بازداشت و اخراج رهبران و فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، بازداشت و حبس و اخراج فعالان سندیکای کارگران هفت تپه، یورش وحشیانه به مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، پی‌گرد و ارباب و پرونده‌سازی علیه کارگران پیشرو و فعالان کارگری، اعمال شکنجه‌های جسمی و روانی علیه کارگران زندانی، نگهداری کارگران زندانی در شرایطی بسیار نامناسب، غیراستاندارد و غیر بهداشتی به نحوی که کارگران زندانی پس از چند ماه حبس به بیماری‌های متعددی مبتلا شده‌اند، ممانعت از معالجه کارگران زندانی که نیاز به مرخصی و مراقبت‌های پزشکی و درمانی در بیرون از زندان دارند، بی‌توجهی به اعتصاب غذای کارگران زندانی و ایجاد انواع مزاحمت‌ها و اعمال تهدید و فشار علیه خانواده فعالان کارگری و سندیکایی، تنها شمه‌ای از اقدامات ضد کارگری و فشارهای سیاسی طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن علیه طبقه کارگر بوده است. کابینه امنیتی حسن روحانی که نمایندگان راست‌ترین جناح‌های بورژوازی در آن متمرکز شده‌اند، نه فقط در عرصه اقتصادی مدافع پیشبرد سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال و ادامه‌دهنده آن حتا جدی تر از دولت‌های پیشین است، بلکه به همان نسبت و بیشتر از آن، در برخورد با کارگران و مطالبات کارگران و در برخورد با فعالان، تشکل‌ها و جنبش کارگری نیز خشن و بیرحم است. دولت روحانی نه فقط در راستای تحقق خواست‌های سیاسی و اقتصادی کارگران که مکرر توسط کارگران و تشکل‌های مستقل آنها مطرح شده‌اند، هیچگونه اقدامی به عمل نیاورده است بلکه هر خواست و اعتراض منتهکی را با سرنیزه و سرکوب پاسخ داده است. تمام شعارها و وعده‌های روحانی در زمینه کنترل تورم و گرانی، بهبود وضعیت سیاسی و اقتصادی و رعایت حقوق مردم پوچ از کار درآمده‌اند.

رفقا، زنان و مردان کارگرا!

پوشیده نیست که به رغم تمام فشارهای اقتصادی و سیاسی و اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم جمهوری اسلامی علیه کارگران و به رغم تعرضات پی در پی طبقه سرمایه دار علیه طبقه کارگر و تشکل‌ها و فعالان کارگری، اما کارگران زحمتکش و مبارز ایران دست از مبارزه نشسته و در صدها مورد در اشکال متنوعی علیه این تعرضات و برای دستیابی به مطالبات اقتصادی و سیاسی خود دست به اعتراض زده‌اند. اعتصاب کارگران صدرای بوشهر، اعتصاب مکرر کارگران کارخانه نورد لوله صفا، اعتصابات کارگران صنایع فلزی، اعتصابات مکرر کارگران نی‌برکشت و صنعت کارون شوشتر و کارگران نی برکشت و صنعت هفت‌آب، اعتصابات کارگران کارخانه نیشکر هفت‌آب، تجمعات اعتراضی و مکرر کارگران شهاب‌خودرو، اعتصابات کارگران عسلویه و پارس جنوبی، اعتصابات مکرر در پتروشیمی‌های منطقه ماهشهر، تجمع اعتراضی رانندگان شرکت واحد، تجمعات اعتراضی و مکرر کارگران لاستیک البرز (کیان‌تایر) و تجمعات اعتراضی و مکرر کارگران فولاد زاگرس از نمونه این اعتصابات و اعتراضات به شمار می‌آیند.

رفقای کارگرا!

به‌رغم تمام این اعتراضات و اعتصابات و صدها اقدام اعتراضی دیگر، اما کارگران ایران همچنان از حقوق اولیه و دموکراتیک خود مانند حق تحرّز و ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری محروم‌اند و در تنگنای شدید معیشتی به سر می‌برند. طبقه حاکم شرایط اقتصادی و معیشتی دشوارتر و فشارهای سیاسی و امنیتی افزون‌تر، استثمار و بی‌حقوقی بیشتری را بر کارگران تحمیل نموده است. تجربه ۳۵ سال حاکمیت رژیم ارتجاعی و ضدکارگری جمهوری اسلامی نشان داده‌است، مستقل از آنکه چه کسی رئیس جمهور و وزیر وکیل شود و چگونه حرف بزند و چه وعده‌هایی تحویل کارگران بدهد، در ماهیت رژیم سرمایه‌داری حاکم ذره‌ای تغییر ایجاد نمی‌شود. مهمترین وظیفه تمام نهادها و مهره‌های حکومتی در همه حال حفظ نظام سرمایه و پاسداری از منافع سرمایه‌داران و مرتجعین است. شما کارگران ایران شاهد بوده‌اید در تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، چه در زمان جنگ ایران و عراق، چه در دوران‌های به اصطلاح سازندگی و اصلاحات و چه اکنون که حسن روحانی با مشتکی وعده‌های توخالی و تحت عنوان "دولت تدبیر و امید" در حال سفت کردن بندهای استثمار و بردگی مزدی بر دست و پای کارگران است، هدف همیشه مقدم رژیم، سازماندهی استثمار کارگران و کسب هر چه بیشتر سود توسط سرمایه‌داران است. بنابراین روشن است که تا این رژیم و نظام سرمایه‌داری حاکم‌است، بساط استثمار و ستم و بردگی مزدی و بی‌حقوقی هم هست و هیچگونه بهبود جدی و اساسی در وضعیت طبقه کارگر حاصل نخواهد شد.

رهائی از وضعیت اسفناک و فلاکت‌آبار کنونی، در گرو دگرگونی بنیادی نظم موجود است و این همان وظیفه‌ای است که تاریخ رسالت انجام آن را بر دوش طبقه کارگر نهاده است. اما طبقه کارگر برای آنکه به این وظیفه خود عمل کند، قبل از هر چیز بایستی بطور قاطع دست رد بر سینه تمام نمایندگان رنگارنگ بورژوازی بزند که در مقاطع حساس و بحرانی سعی می‌کنند با وعده و وعید توده‌های ناآگاه را فریب دهند و دنبال خود بکشانند. طرف حساب کارگران نه این یا آن جناح حکومتی، این یا آن لایه بورژوازی، بلکه کلیت رژیم جمهوری اسلامی و تمام بورژوازی است. رژیم جمهوری اسلامی را با تمام حشو و زوائد آن باید با قیام مسلحانه و انقلاب قهرآمیز سرنگون ساخت. سرنوشت انقلاب و مضمون تمام تحولات آینده به طبقه کارگر وابسته است. طبقه کارگر که بار اصلی پیکار علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را بر دوش می‌آکشد، می‌تواند و باید پیشاپیش سایر اقشار زحمتکش جامعه رهبری جنبش همگانی توده مردم را به دست گیرد و با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان انقلاب را به فرجام پیروزمندش برساند. سلاح اصلی کارگران در پیکار علیه رژیم و براندازی آن، اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه و فاکتور مهم تضمین کننده پیروزی طبقه کارگر در این نبرد؛ تشکل، آگاهی، اتحاد و همبستگی کارگران است. با ایجاد کمیته‌های مخفی و کمیته‌های اعتصاب و ایجاد ارتباط و هماهنگی میان این کمیته‌ها باید به تدارک اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی سیاسی رفت. کارگران آگاه و پیشرو از طریق ایجاد این کمیته‌هاست که می‌توانند اعتصابات فراکارخانه‌ای و در مراحل پیشرفته‌تر اعتصابات سراسری را سازمان دهند. بدیهی است تا آنجا که توازن و شرایط سیاسی جامعه اجازه می‌دهد، مستقل از دولت و کارفرما می‌توان دست به تشکیل تشکل‌های مستقل دیگری زد و توده‌های کارگر را در این تشکل‌ها مجتمع و منسجم ساخت. تردیدی نیست که سطح تشکل، آگاهی و همبستگی کارگران ایران در طی مبارزات خود به ویژه از اوائل دهه هشتاد و نه بعد به نحو چشمگیری ارتقا یافته است. اما این هنوز برای طبقه‌ای که می‌خواهد با یک انقلاب اجتماعی کارگری قدرت سیاسی را به چنگ آورد و انقلاب را به پیروزی برساند به هیچ‌وجه کافی نیست، لذا وظیفه مهم دیگر کارگران آگاه و پیشرو در شرایط کنونی کمک به تزبیبی کارگران از طریق ایجاد هسته‌های سرخ کمونیستی در میان کارگران و محیط‌های کارگری است. کنفرانس ۱۴ سازمان در عین حال بار دیگر بر این نکته تاکید نمود که از هر تشکل مستقل کارگری که با ابتکار خود کارگران ایجاد می‌گردد و برای تحقق مطالبات کارگران مبارزه می‌کند باید حمایت کرد، اما مادام که توازن قوای طبقاتی و شرایط سیاسی هنوز به نفع کارگران بر هم نخورده است، به منظور ادامه‌کاری و مصون ماندن کارگران پیشرو از تعرضات پلیس سیاسی، تاکید اصلی را باید بر ایجاد کمیته‌های مخفی و هسته‌های سرخ کمونیستی گذاشت.

کارگران آگاه و پیشرو، فعالان کارگری!

ما شرکت‌کنندگان در کنفرانس چهاردهم سازمان فدائیان اقلیت یکبار دیگر از مبارزات و مطالبات شما کارگران، از جمله مطالباتی که دو تشکل مستقل کارگری، سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران هفت‌تپه برای تحقق آن مبارزه می‌کنند حمایت و پشتیبانی می‌کنیم. ما همچنین کلیه اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم جمهوری اسلامی مانند بازداشت، شکنجه، احضار، پی‌گرد و پرونده‌سازی علیه کارگران آگاه و فعالان کارگری و سندیکایی را قویا محکوم می‌کنیم. ما شرکت‌کنندگان در کنفرانس چهاردهم سازمان فدائیان اقلیت خواستار آزادی و معالجه فوری کارگرانی هستیم که در بدترین شرایط در زندان‌ها به بیماری‌های متعددی مبتلا شده‌اند و نیاز به مراقبت و مداوای پزشکی دارند. ما همچنین خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط تمام کارگران زندانی هستیم. بسیاری از فعالان کارگری و سندیکایی تنها به خاطر تلاش و فعالیت در راه تشکل‌یابی و دفاع از حقوق کارگران از کار اخراج شده‌اند. ما شرکت‌کنندگان در کنفرانس چهاردهم سازمان فدائیان اقلیت خواستار آن هستیم که کارگران اخراجی شرکت واحد و کارخانه نی‌شکر هفت‌تپه و سایر کارگران اخراجی به سر کار خود بازگردانده شوند و تمام خسارت‌های وارده بر کارگران از جمله دستمزد و بیمه دورانی که اخراج بوده‌اند بی‌کم و کاست به آنان پرداخت شود.

رفقای کارگرا!

رهائی قطعی از شر مشکلات و مصائب بی‌شماری که نظام بهره‌کشی و ستمگرانه حاکم بر ایران و رژیم سیاسی پاسدار منافع استثمارگران به‌آبار آورده است، در گرو یک انقلاب اجتماعی کارگری است.

نخستین گام این انقلاب، سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، استقرار حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان و اجرای بی‌درنگ فوریت‌ترین مطالبات توده‌های مردم برای گذار به سوسیالیسم است. این، آن وظیفه فوریت‌است که سازمان ما برای تحقق آن تلاش و مبارزه می‌کند. کنفرانس چهاردهم یکبار دیگر بر این وظیفه و بر مثنی کارگری - سوسیالیستی سازمان مهر تأیید زد. سازمان ما که در طول حیاتِ چهل‌و‌سه ساله خود، از اهداف و منافع طبقه کارگر دفاع نموده و برای یک جامعه سوسیالیستی به عنوان تنها بدیل برای رهائی از فجایع نظام سرمایه‌داری مبارزه کرده‌است، از هیچ تلاشی برای تحقق اهدافِ سوسیالیستی و پیروزی طبقه کارگر فرو گذار نخواهد کرد.

پیروز باد مبارزات طبقه کارگر

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورائی

نابود باد نظام سرمایه‌داری- زنده باد سوسیالیسم

شرکت کنندگان در چهاردهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)

آبان ۱۳۹۲